

راه‌حلی واقع‌بینانه برای کنکور

(سخنرانی دکتر سبطی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران)

تاریخ سخنرانی: 93/2/12

سوابق علمی سخنران: دکترای پزشکی از دانشگاه تهران، مدرس نام‌آشنا، مولف کتاب‌های برگزیده‌ی جشنواره رشد

میهن‌ان ویژه: خانم فاطمه محمدی رتبه 1 کنکور هنر، آقای محمد اقبالی رتبه 37 کنکور زبان، خانم جعفرزاده رتبه 96 کنکور تجربی

جناب مهندس کاظم قلمچی، جناب دکتر شاکری، استاد وحید تمنا، و تعدادی دیگر از مشاوران و دبیران بزرگوار

میزان رضایتمندی شرکت‌کنندگان: 90/91 درصد

چکیده

سازمان سنجش آموزش کشور که اکنون متولی برگزاری کنکور سراسری است، بهترین، متخصص‌ترین و سازمانمندترین نهادی است که می‌تواند امر سنجش دانش‌آموزان را با برقراری عدالت نسبی به عهده داشته باشد. قرار بود پس از حذف کنکور، امتحانات نهایی را در مقطع دبیرستان جایگزین آن کنند، ولی این کار مانند حذف یک مسأله است و جایگزین کردن چند مسأله به جای آن است که مشکلات را پیچیده‌تر می‌کند.

سازمان سنجش با چندین دهه تجربه از نظر علمی، امنیتی و اخلاقی، همه‌ی جوانب برگزاری یک آزمون سرنوشت‌ساز ملی را رعایت می‌کند و جایگزینی هر سازمان یا وزارت دیگری به جای آن، در عمل ناممکن یا فاجعه‌بار می‌نماید. راه‌حل واقع‌بینانه برای آزمون سراسری، کاستن از کاستی‌های آن است نه جایگزینی آن با روش‌های فرضی و تجربه‌نشده.

کنکور مشکلاتی از قبیل اضطراب‌زایی غیرقابل تحمل برای داوطلبان و خانواده‌هایشان و عدم جبران‌پذیری دارد. تستی بودن مسبب اصلی اضطراب کنکور است، به این دلیل که فقط یک گزینه صحیح است با 100 نمره‌ی مثبت و سایر گزینه‌های اشتباه با 33 نمره‌ی منفی. با تغییر این رویکرد و تمایز در نمره‌های گزینه‌ها می‌توان

این اضطراب را به شکل چشم‌گیری کاهش داد و عدالت و تمایز را بین دانش‌آموزانی که مطالعه داشته‌اند و کسانی که اصلاً مطالعه نداشته‌اند برقرار نمود.

کلید واژه‌ها: حذف آزمون سراسری - مشکلات کنکور - وزارت آموزش و پرورش - سازمان سنجش کشور - استرس - عدالت

متن اصلی:

فلسفه‌ی وجودی آزمون سراسری

موضوع کنکور موضوعی نیست که نیاز به مقدمه‌چینی داشته‌باشد. همه‌ی ما به‌تازگی یا در گذشته درگیر این موضوع بوده‌ایم و به نوعی همه (حداقل من تا چهل‌سالگی) این تجربه را با خودمان یدک می‌کشیم. آخرین کنکور سنگ‌سبور خیلی از مشکلات آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و حتی دولت‌مردان کشور شده‌است. در این که کنکور معضلاتی را بوجود آورده و مایه‌ی یک سری سوءاستفاده‌ها شده، شکی نیست، اما فکر می‌کنم اندکی غیرکارشناسانه به آن پرداخته‌اند. اولین موضوع این است که آیا واقعاً افرادی که کنکور را پایه‌گذاری کرده‌اند قصدشان این بوده که عده‌ای دیگر از آن سودجویی کنند؟ مثلن این که آموزشگاه‌های رنگارنگ بر پا شود؟ یا کتابها و جزوه‌ها و خنگ‌آموزهای مختلف به خورد دانش‌آموزان کشور داده‌شود؟ یا ...

با اندکی درنگ متوجه می‌شویم که این‌گونه نبوده‌است. والدین ما وقتی وارد دانشگاه شدند، کنکور سراسری وجود نداشت؛ هر دانشگاهی در زمانی خاص آزمونی برای رشته‌هایی خاص برگزار می‌کرد. اما رفته‌رفته با افزایش کسانی که دوست داشتند از طریق تحصیل به جایگاهی مناسب در جامعه برسند و همچنین با افزایش مراکز آموزش عالی، این نیاز به‌وجود آمد که آزمونی سراسری به نام کنکور شکل بگیرد؛ آن هم فقط با یک هدف: برقراری عدالت؛ یعنی فلسفه‌ی کنکور سراسری چیزی جز گسترش عدالت در حوزه‌ی آموزش عالی نبود. مطمئن مشکلات بسیاری در این سال‌ها وجود داشته که کنکور به این‌گونه بدشکل و بدنما گشته و باعث شده همه از فلسفه‌ی وجودی آن فاصله بگیرند .

به نظر من در وضعیت کنونی این نیاز هم‌چنان وجود دارد؛ یعنی هنوز هم ما به یک شیوه‌ی عادلانه نیاز داریم که هر کسی با هر سنی و هرشرایطی بتواند وارد دانشگاه‌ها شود و احساس کند در حقیقت اجحافی نشده یا حداقل کمترین اجحاف صورت گرفته است؛ این نیاز فقط با برگزاری آزمونی سراسری و هماهنگ که خطاها یا

مداخلات انسانی در نتایج آن کمترین امکان تأثیرگذاری را داشته باشد، برآورده می شود. آن چه تستی بودن کنکور را الزامی میکند همین تأثیرناپذیری اش از خطاها و مداخلات عوامل انسانی است.

برتری ها و کاستی های آزمون سراسری گزینه های در مقایسه با آزمون سراسری تشریحی

در سال های اخیر، پیشنهاد اصلی این بوده است که وزارت محترم آموزش و پرورش، یعنی متصدی آموزش علم و مهارت زندگی به دانش آموزان و پرورش روح و جسم آنان، خودش نیز متصدی ارزیابی شایستگی داوطلبان برای ورود به حوزه آموزش عالی باشد و با همان سازوکاری که سال هاست در آن تجربه دارد، یعنی امتحانات نهایی و کشوری این مهم را مدیریت کند. اگر کمی به خودمان امکان تفکر بدهیم، حتمن متوجه می شویم که در اصل قضیه فرقی حاصل نخواهد شد؛ تنها تفاوت این است که این بار با آزمون سراسری روبه رو هستیم که نوع سؤالات آن تشریحی است.

من باور دارم که سازمان محترم سنجش آموزش کشور، یکی از قوی ترین، دقیق ترین و شریف ترین سازمان ها در کل تاریخ اداری ایران معاصر است. میزان تخلفاتی که در طول این چند دهه در این سازمان صورت گرفته واقعن به تعداد انگشتان یک دست هم نیست؛ نه این که قصد تخطئه ای سازمان های دیگری را داشته باشم. اهمیت این سازمان ایجاب می کند که در این حد، دقیق و حساب شده عمل نماید. واقعن ماجرای آزمون سراسری، ماجرای است در حوزه ایمنی ملی.

حالا برخی می خواهند برای حل این مسئله (مشکلات کنکور)، صورت مسئله (وجود کنکور سراسری تستی با مدیریت سازمان سنجش) را پاک کنند، و مسئله ای جدیدی (کنکور سراسری تشریحی با مدیریت آموزش و پرورش) را جایگزین آن سازند؛ یعنی برای حل یک مسئله، مسئله ای دیگر طرح کنیم که شبیه همان باشد و شاید هم سخت تر و پرحاشیه تر و فقط خوشحال باشیم که کاری کرده ایم! می خواهیم کنکور را تبدیل کنیم به یک، دو، سه یا چهار امتحان نهایی! واقعن چه کسی می تواند تضمین کند که اگر آزمون سراسری به شیوه ای تستی، به آزمون تشریحی تبدیل شود، مشکلات اجرایی، مالی، اجتماعی و اخلاقی بیشتری پیش نخواهد آمد؟

عدالت کنکور تا حدی به دلیل تستی بودن آن است؛ گزینه ای صحیح مشخص است و دانش آموزان باید آن را انتخاب کنند تا نمره ای کامل بگیرند. ولی در آزمون تشریحی، داوری انسانی پا به میان می گذارد و معیار مشخصی برای این داوری وجود ندارد. این شعار که «کنکور را حذف می کنیم» بر زبان راندنش راحت است اما زمانی که پای عمل به میان بیاید، دشوار می شود. سازمان سنجش فقط با گزینه ها سروکار دارد و دستگاه پاسخ-

نامه‌خوان، با این وجود بعد از کنکور می‌بینیم صف معترضان است که پشت در سازمان سنجش غوغا می‌کنند؛ حالا اگر شما بخواهید ارزش‌گذاری جگرگوشه‌های خانواده‌های ایرانی را به دست مصححین شریف بسپارید که به‌ناچار ذهنیت خودشان را در تصحیح پیاده می‌کنند، به راستی با چند میلیون اعتراض مواجه خواهید شد؟ پدر و مادری که فکر می‌کنند، مثلن در امتحان نهایی سال دوم دبیرستان، چون نمره‌ی 20 فرزندانشان، 19/5 شده، تمام تلاش و حاصل زندگیشان بر باد خواهد رفت، آیا به این سادگی به نتایج اعلام‌شده گردن خواهند گذاشت؟ در عمل هیجانات آنی بروز می‌کند که در چنین وسعتی کنترلش بسیار بسیار سخت است.

سال‌های سال طراحان کنکور کاملن ناشناخته باقی مانده‌اند و از شریف‌ترین همکاران آموزش و پرورش کشور هستند. اگر کنکور را به امتحان نهایی تبدیل کنیم، آیا تضمینی هست که با پرشمار شدن تعداد طراحان این ناشناختگی همچنان ادامه یابد؟

آیا در صورت حذف کنکور مؤسسات کنکورمدار، به فکر فعالیت‌های تولیدی یا دانش‌بنیان می‌افتند؟ علم می‌آفرینند؟ خیر، به شما قول می‌دهم که ده‌ها برابر حالا، مؤسساتی برای امتحانات نهایی با تبلیغاتی مانند: معدل 20 فرزندان شما را از گهواره تضمین می‌کنیم! در مؤسسه ما سؤالاتی نظیر امتحان نهایی طرح می‌شود! معلمان ما همان طراحان سؤالات امتحان نهایی هستند! و هزاران دروغ دیگر، پدید می‌آیند.

بنابراین نه تنها مشکل اخلاقی بیشتر که مشکلات امنیتی هم بوجود می‌آید. هر امتحان نهایی یک کنکور است و باید همان میزان امنیت که در سازمان سنجش شاهدش هستیم در آن رعایت شود.

هم‌چنین اجرای کنکور در سه یا چهار سال معضلات را بیشتر می‌کند. برگزاری هر امتحان نهایی، طبق آماری که من به یاد دارم، بین 50 تا 70 میلیارد تومان هزینه در بر دارد. حال اگر این هزینه را در سه یا چهار ضرب کنیم، قطعاً با افزایش هزینه‌ی بسیار نیز مواجه می‌شویم.

سازمان سنجش یک دژ امنیتی است که هیچ‌کس نمی‌تواند به‌سادگی در آن اخلاص پدید آورد. من این واقعیت را بدیهی می‌دانم که کنکور موضوعی است که خانواده‌ها برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند و با عاطفه و خرد جمعی مردم ایران درگیر است. به جای آن‌که این موضوع را به وزارت آموزش و پرورش بسپاریم که خودش وظایف سنگینی بر عهده دارد، بهتر است آن را همچنان در اختیار سازمانی بگذاریم که تخصص لازم را در این زمینه دارد و سال‌های سال در این زمینه تجربه کسب کرده است و سازماندهی شده است اما از او بخواهیم که این آزمون را بهتر از پیش برگزار کند.

راه‌حلی واقع‌بینانه

واقعه مشکل کنکور چیست که این سال‌ها این همه مورد تاخت و تاز همگان، از جمله خود من قرار گرفته است؟ من به عنوان دبیری که سال‌های سال با دانش‌آموزان در ارتباط بوده‌ام، فکر می‌کنم بزرگترین مشکل کنکور اضطراب‌زایی مفرط آن است. از یکی دو سال قبل از کنکور دانش‌آموزان اضطراب روز کنکور را دارند! و همین اضطراب توان فرساست که راه را برای ورود سودجویان و دلالان و کذابان این حوزه، به همه‌جا باز می‌کند از رسانه‌ی ملی گرفته تا خانه‌های شخصی مردم.

حتا رتبه‌های برتری که در این‌جا حضور دارند هم سر تکان می‌دهند و تأیید می‌کنند. خانم محمدی رتبه 1 کنکور هنر امسال و خانم جعفرزاده رتبه زیر 100 کنکور تجربی امسال - که به همراه دیگر رتبه‌های برتر در این نشست حضور دارند- بزرگترین مشکل کنکور را اضطراب و استرس عنوان کرده‌اند. بیشترین سؤالی که اولیا از من می‌پرسند این است که فرزندم را نزد کدام دکتر ببرم؟ یعنی آن‌چنان فشار روحی زیاد شده که پذیرفتند فرزندشان نیاز به روانپزشک دارد، فقط دنبال روان‌پزشکی هستند که تبحر داشته و کارآمد باشد.

مشکل کنکور این نیست که کلاس کنکور به وجود می‌آورد؛ هر آزمون دیگری که جایگزین شود، کلاس آن هم به وجود می‌آید و سودجویان در آن زمینه هم فعالیت می‌کنند. مشکل کنکور مشکلی نیست که با حذف برطرف شود. مطلبی که امروز می‌خواهم بگویم مشکل اصلی کنکور است؛ یعنی استرس‌زا بودن و این‌که چطور می‌شود این استرس را کاهش داد و از آن مهم‌تر این‌که، کنکور را به آزمون تشریحی نزدیک کرد بدون این‌که شکل تستی آن از بین برود. اما پیش از آن به یک ایراد تراشی محتوایی پاسخ می‌گویم.

می‌گویند ایراد کنکور سراسری این است که در آن خلاقیت سنجیده نمی‌شود. من قاطعانه می‌گویم که خلافانه-ترین سؤالاتی که در این یکی دو دهه طراحی شده است، سؤالات کنکور است. لطفن سؤالات کنکور و امتحان نهایی ده سال اخیر را با هم مقایسه کنید تا موضوع برایتان روشن شود. مثال مشهود دیگر کتاب‌های کمک آموزشی کنکور است، سطح علمی این کتاب‌ها بسیار بالاتر از کتاب‌هایی است که برای امتحانات نهایی نوشته می‌شود. اکنون که در نمایشگاه تشریف دارید این کتاب‌ها را ملاحظه و مقایسه کنید. مطالب علمی و خلاقیت در کتاب‌های کمک آموزشی مربوط به کنکور قابل مقایسه با کتاب‌های آموزشی غیرکنکوری نیست.

یکی از عوامل اضطراب‌زایی کنکور سراسری عدم جبران‌پذیری آن است. اگر دانش‌آموزی در درسی مردود شود، همیشه سازوکار آموزش و پرورش این بوده که می‌تواند دوباره امتحان بدهد و این مشکل به راحتی قابل حل و جبران است. دانش‌آموز اگر بداند که می‌تواند اشتباهاتش را در آزمون سراسری نیز جبران کند، به میزان بسیاری

از اضطرابش کاسته می‌شود - به ویژه برای پسرانی که مشکل سربازی دارند - یعنی اگر این‌گونه باشد که یکی دو هفته پس از کنکور، باز هم بتواند کنکور بدهد این استرس به شدت کاهش می‌یابد. برخی دانش‌آموزان در آزمون سراسری با اضطراب و استرس بسیاری روبه‌رو می‌شوند و بعد از آزمون با حالتی شبیه شوک از سر جلسه بیرون می‌آیند. حسن آزمون دانشگاه آزاد این بود که 15 روز یا یک ماه پس از آزمون سراسری برگزار می‌شد و داوطلب به آن آزمون، امیدوار می‌ماند. اکثر دانش‌آموزان من - تا قبل از یکی شدن آزمون دانشگاه‌های دولتی و آزاد - که به دلیل استرس، در کنکور سراسری نتیجه‌ی خوبی کسب نکردند، کنکور آزاد را با موفقیت پشت سر گذاشتند.

اگر کنکور سراسری دوبار با فاصله‌ی 15 روز یا سه هفته برگزار شود و سازمان سنجش نیز بتواند مانند تاثیر مثبت معدل، نتیجه‌ی بهتر این دو آزمون را برای هر داوطلبی لحاظ کند یا اصلن انتخاب را به خود داوطلب بسپارد، داوطلبان اضطراب بسیار ملایم‌تری را تجربه خواهند کرد.

اما روش پیشنهادی من برای کاهش چشم‌گیر اضطراب کنکور و عادلانه‌تر شدن آن هنگام تدریس به ذهنم رسیده است. در این جا چهار سؤال طرح شده است که فرض کنید سؤالات کنکور است. چند دقیقه روی آن وقت بگذارید و به آن‌ها جواب بدهید تا ببینیم به روش کنکور چه نتیجه‌ای می‌گیرید و با این روش پیشنهادی چه نتیجه‌ای؟

1) کدام آرایه در هر مصراع این دوبیتی به کار گرفته شده است؟

بیا ای دل از اینجا پر بگیریم / ره کاشانه‌ی دیگر بگیریم
بیا گم کرده‌ی دیرین خود را / سراغ از لاله‌ی پرپر بگیریم

1) استعاره 2) تشخیص (آدم‌نمایی) 3) کنایه 4) تضاد

2) یک سکه را چهار بار به بالا می‌اندازیم. احتمال این که حتی یک بار هم شیر نیاید چند برابر

احتمال این است که فقط یک بار شیر بیاید؟

1) 4 2) 25٪ 3) 3 4) 33٪

3) کدام گزینه درست نیست؟

تفاوت دوقلوهای یک تخمکی ناشی از در آنهاست؟

- 1) تفاوت رفتاری 2) تفاوت اپی ژنتیک 3) تفاوت رشد جنینی 4) تفاوت محیط پرورش

4) Which of the following words is best For the blank space?

The first question to ask about is why bother to read it?

With life as short as it is with so many pressing demands on our time and with books of information and instruction why should we spend our precious time on works of imagination.

- 1) history 2) short story 3) astronomy 4) fiction

روش ارزش‌گذاری فعلی این است که یکی از گزینه‌ها صحیح است با 100 امتیاز مثبت و هر سه گزینه‌ی دیگر به یک اندازه‌ی اشتباه با 33 نمره‌ی منفی. این روش باید اصلاح شود.

بسیاری از تست‌های کنکور دام دارند؛ یعنی دانش‌آموزی که مبحث را می‌شناسد و بلد است به سراغش می‌رود ولی طراح هوشمندانه دامی را بر سر راه او گذاشته است که دانش‌آموز در پایان به گزینه‌ی درست نمی‌رسد و 33 نمره‌ی منفی نصیبش می‌شود. در کنار او دانش‌آموزی نشسته که اصلاً این موضوع را بلد نیست، پس به سراغ این مبحث نمی‌رود و هیچ نمره‌ی منفی‌ای نمی‌گیرد یعنی نسبت به دانش‌آموز اول نمره‌ی مثبت هم می‌گیرد! او نمره‌ی مثبت می‌گیرد چون نمی‌داند و اولی منفی می‌گیرد چون می‌داند؛ البته نه آن به آن مقداری که لازم است.

برتری مهم آزمون تشریحی نسبت به آزمون تستی همین است. چرا دانش‌آموز در آزمون تشریحی اضطراب کمتری دارد؟ زیرا کسی که درس را خوانده است چیزی مربوط به پرسش مطرح‌شده می‌نویسد و حتا اگر به جواب هم نرسد معلم متوجه می‌شود که او درس را خوانده است و بخشی از نمره را برایش منظور می‌کند یا دست‌کم از نمره‌اش کم نمی‌کند!

: اگر بتوانیم مشکلاتی از این قبیل را برطرف کنیم، اضطراب معلم، دانش‌آموز و والدین را بسیار کم کرده‌ایم. حال می‌رویم سراغ سؤالات و نتیجه را طبق پیشنهاد من بررسی می‌کنیم.

در مورد سؤال اول: اولین پاسخی که به چشم من می‌آید «تشخیص» است. چون شاعر دل و لاله را آدم فرض کرده است، پس گزینه 2 را انتخاب می‌کنم، اما بعد از کنکور متوجه می‌شوم که اشتباه کرده‌ام و طراح دام گذاشته، زیرا گفته در هر مصراع این دوبیتی، در حالی که من هر بیت آن را بررسی کرده‌ام؛ پس باید استعاره را می‌پذیرفتیم! سخن من این است که من نباید نمره‌ی منفی بگیرم و کسی که اصلاً نمی‌دانسته آرایه چیست نمره‌ی منفی نگیرد. پس باید برای گزینه‌ها وزن قائل شویم. این کار از نظر تکنیکی سخت نیست. اگر کسی استعاره را قبول کرد، 100 نمره بگیرد، تشخیص : 30 نمره، کنایه: 0 و تضاد: 30- نمره؛ زیرا کسی که در این دوبیتی تضاد را انتخاب کند، درس را اصلاً یاد نگرفته است و احتمالان دارد شانسی جواب می‌دهد. با این روش در سؤال دوم اتفاق زیبایی رخ می‌دهد: این نوع طراحی گزینه‌ها به افزایش بصیرت و دید کلی دانش‌آموزان کمک می‌کند؛ یعنی قبل از این که خودش را درگیر گزینه‌ها کند، نگاه کلی به سؤال می‌اندازد: احتمال این که حداقل یک بار شیر بیاید بیشتر است یا احتمال این که اصلاً شیر نیاید؟

بله، احتمال این که یک بار شیر بیاید بیشتر است، در این صورت گزینه 1 و 3 رد می‌شود. حالا اگر دانش‌آموز وقت زیادی نداشته‌باشد، بدون واهمه از نمره‌ی منفی یکی از گزینه‌های 2 یا 4 را انتخاب می‌کند، چون مطمئن است آن دو گزینه‌ی دیگر غلط است؛ با این روش پیشنهادی نه تنها نمره منفی نمی‌گیرد، بلکه حتی اگر گزینه‌ی انتخابی‌اش صحیح نباشد، 30 نمره مثبت می‌گیرد.

در مورد سؤال سوم، کسی که گزینه اول را انتخاب می‌کند حق دارد 100 نمره‌ی مثبت بگیرد، اما انتخاب گزینه چهارم باید با نمره منفی همراه باشد. در سؤال چهارم نیز کسی که گزینه‌ی 3 را انتخاب می‌کند، چیزی از متن متوجه نشده است و باید 30 نمره‌ی منفی بگیرد و هم‌چنین در مورد گزینه 2 که باید نمره‌ی

منفی بگیرد و یا با ارفاق 0 بگیرد، اما بین گزینه‌های 1 و 4 یعنی history و fiction اختلاف زیادی وجود ندارد. جواب fiction است، پس 4، 100 امتیاز دارد و گزینه 1، 30 امتیاز یا بیشتر دارد.

نتیجه گیری: با این روش 1- شکل خشن و مکانیکی تأثیر نمره‌ی منفی به روشی هوشمندانه برای نزدیک کردن آزمون تستی به آزمون تشریحی تبدیل می‌شود؛ 2- امتیاز تستی بودن، یعنی عدم تاثیرپذیری از خطاها و مداخلات انسانی به قوت خود باقی می‌ماند؛ 3- از میزان اضطراب‌زایی آزمون سراسری به شدت کاسته می‌شود؛ 4- دید کلی و خلاقانه چه از طرف دانش‌آموزان و چه از طرف طراحان مورد توجه جدی واقع می‌شود.

خاطر نشان می‌کنیم پیشنهاد مشخص این نشست، پابرجا بودن رسالت سازمان سنجش در برگزاری کنکور سراسری و نیز وزندهی به گزینه‌ها برای برقراری بیشتر عدالت و به تبع آن کاهش استرس در میان داوطلبان و خانواده‌های آنهاست.

سپاسگزارم!